

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۲۹ اپریل ۲۰۱۱

بررسی مختصر قرآن بخش سوم

قرآن، محمد و زن ستیزی:

قبل از اینکه به فرمایشات قرآن و عملکرد های محمد به ار تباط موجودی به نام زن بپردازیم بد نخواهد بود اگر نگاهی مختصری هم به روش سایر مردان و ادیان در مقابل زن انداخته شود. در مصر قدیم (دوره فراعنه) زنان در خانواده های کم عاید در مجموع قشر دومی زنان حساب شده و در خارج از چوکات خانواده قابل توجه نبودند اما به عکس زنان طبقه حاکم و خانواده های فیودالان و سر شناس تقرب به خدایان می یافتند که خواندن اشعار آنها را مهم ساخته و به مقامات بالاتر ارتقاء می داد. اما باز هم در مقایسه با مقام مردان زنها حیثیت و موقف موجود دست دومی را داشتند.

زنها در زمان بابلان ارزش جنس داشته و معمولاً خرید و فروش میشدند. وظایف زن بچه آوردن – آب آوردن از چاه ها، شستن، بافتن، پختن و اداره امور خانه بود و مرد صلاحیت عام و تام در مورد اداره خانه به نحو دلخواه خود داشته و مطلقاً می توانست زن را طلاق گوید اما زن این حق را نداشت.

در آشور هر مردی می توانست و حق داشت زن خود را بکشد اگر او با مرد دیگر رابطه می داشت. اما خود مرد حق داشت تعداد زیادی معشوقه و کنیز برای خود داشته باشد. اما زن مجبور بود به شوهر خود وفادار باشد. در حکومت هخامنشیان در نخستین تمدن آریائی ها تعدد زوجات در بین طبقات مرفه و ممتاز جامعه به خصوص در بین سلاطین رواج یافت اما زنان و کودکان در کارهای تولیدی شرکت داشتند.

قبل از اینکه موقعیت زن و عدالت خداوندی را در مورد آن از دیدگاه ادیان آسمانی مورد بررسی مختصر قرار دهیم جمله ای از انگلس را نقل می کنم:

"بر افتادن حق مادری، شکست جهانی - تاریخی جنس مؤنث بود. مرد فرمانروائی خانه را نیز به دست آورد. زن تنزل مقام یافت. برده شد. بنده شهوت مرد و ابزاری صرف برای تولید. (انگلس- منشاء خانواده ص ۸۵)

یو نانیان قدیم با دیده تحقیر به زن نگرسته و با خرید و فروش زنان در صورت تمایل شان با آن‌ها ازدواج می نمودند. یو نانی‌ها و رومی‌های قدیم کشتن دخترهای خود را مجاز می دانستند و زنها در هندوستان قدیم نیز حیثیت کنیز را داشته خرید و فروش می شدند. در روی زمین همیشه از طرف مردان بر زنان ظلم شده است برای یک تعداد از آن‌ها قدرت جسمی و مقام‌های اجتماعی شان انگیزه این بی‌عدالتی بوده و گروهی دیگر هم با استفاده از احکام الهی که عموماً در تحقیر زنها رول داشته تسلط خود را حفظ و دوام داده‌اند که این دومی‌ها خطر ناک‌تر از همه با فشار روز افزون و شعور دزدی انسان‌ها به زندگی ننگین خود ادامه داده‌اند که نه تنها بر جسم آن‌ها بلکه روان، افکار، مغز و استعداد‌های آن‌ها را به بازی گرفته و حاکمیت خود را در چوکات بندی‌های قیودی دینی تثبیت نموده بودند.

شرایط بار آمده باعث شده تا زنها به خاطر ترس از رفتن به جهنم و همچنان ضعف جسمی در مقابل مرد‌ها تن به این اطاعت بدهند تا اینکه ادیان ابراهیمی با طرح و قانونمندی‌های غیر انسانی جنس زن را به مثابه جنس دوم مطرح و تسلط مرد‌ها را بر زن شکل آسمانی داد. موسی در تورات و محمد در قرآن جابرا نه‌ترین و غیر انسانی‌ترین طرح برتری مرد بر زن را قانون الهی نامیده بر گشت نا پذیر اعلام نمودند که این‌طرح بعد آن از طرف مسلمانان قبول و در روش زندگی عادی و روز مره خود از بین هدایات آسمانی در مورد زن پیروی می نمایند. همچنان در انجیل مسیح می خوانیم که مرد از زن نیست. زن از مرد است و همچنان این زن بود که فریب خورد و در جنت بی فرمانی نمود.

من قبلاً در مورد زن و حقوق مسلم آن‌ها زیر عنوان (حقوق زن من جمله زن افغان از نگاه اسلام) نوشته و در آرشیف همین پورتال عزیز موجود است اما اینجا می خواهم از زاویه دیگر بر این حقوق و یا پامال شدن حقوق زن نظر اندازی نمایم زیرا پای محمد و قرآن با هم در میان است. محمد کسی که می گفت پیامبر است و سرور، کوشیده تا شخصیت زن را خیلی پائینتر از یک موجود زنده و سالم و فعال در لابه لای آیات قرآنی ترسیم کند تا او بتواند به امیال جنسی خود تسکین داده باشد او لازم دانسته تا زن را بی‌شخصیت معرفی نماید و موجود دومی از آن بسازد تا نقش فعال و سازنده مرد‌ها را متجلی تر سازد. بلی محمد که خودش یک شبی را هم بدون زن نمی توانست بخوابد حتی در جنک‌ها و طوری در قرآن می گوید که زن همینکه زنده است باید شاکر مرد باشد؟؟ محمد و اسلام زن را ملکیت مرد حساب نموده و تحلیلی که از زن می دهد این است که زن ملکیت شوهر، ماشین چوچه کشی، برده و کنیز مطلق مرد. زن باید در خانه باشد. (در بخش دیگر به احادیث نبوی و بزرگان و اندیشمندان اسلامی به ملاحظه گفتار شان خواهیم پرداخت) چهره زن را کسی دیگر نبیند، تنها از خانه بیرون نرود، هر لحظه که شوهر میل (تقرب جنسی) کند زن مجبور است جوابگو باشد، جای و محل و وقت رفتن او را باید شوهرش تعیین نماید، اگر علمی باید یاد بگیرد تا ۶ سالگی باید در مسجد باشد و بعد از آن کتاب‌های عربی را در خانه بخواند، حق هیچ نوع لباس پوشیدن و آرایش صورت خود را مطابق میل خود و خارج از خانه ندارد مگر به اجازه شوهر. (در حدود یک ماه قبل آقائی به نام استاد "سادات" که بر نامه اش از کشور المان در تلویزیون نشر می‌شود صریحاً و گستاخانه گفت: زنی که عطر می زند و از خانه بیرون می‌رود همینکه بوی عطرش به مشام مرد بیگانه رسید به معنی زنی آن زن است) هموطنانی که در المان تشریف دارند در صورت علاقه مندی می توانند از جناب شان درین مورد توضیحات بخواهند.

خلاصه تفاوت حقوقی بین مرد و زن خیلی زیاد است. شوهر حق دارد ۴ زن بگیرد اما زن مجبور است با همین مرد (هر چی و هر کی است) تا آخر عمر باید بسازد و صبر نماید چنانکه خدا می گوید خداوند با صابران است و

اگر شناس آورد تا مرگ شوهر زنده ماند یکی از هشت قسمت میراث به او تعلق می گیرد و مطابق کلچر افغانها باید برادر شوهر خود را به همسری بگیرد (آقای گلب الدین حکمتیار بعد از مرگ برادرش خانم او را ملکیت خود دانسته و با او مطابق شرع نبوی ازدواج نمود) و باز همان آش و همان کاسه. من نمی دانم این چه نوع وجدان و احساس و احکام دینی است که یک آدم می تواند با خانم برادرش بخوابد؟؟؟؟ ... شرم خوب است و حیا لازمه آن . نمی دانم چه وقت این نوع آدم ها انسان می شوند؟؟؟؟ ای آنانیکه از اسلام دفاع می کنید بیائید فقط یک بار این عمل راتائید یا رد کنید ؟ چرا خاموش هستید؟؟؟

چرا نمی آئید جلو دید همه مردم از این ار مغان اسلام ناب محمدی دفاع نمی کنید؟؟؟؟ بیائید آنچه از دانش، وجدان، احساس، انسانیت و اسلام دارید طرح و به پیشگاه ملت مظلوم ما که صد ها سال است قربانی این نوع خرافات و بی وجدانی هستند پیشکش کنید؟؟؟؟

تا چه وقت برای ما از عبادات اجنه و بالهای فرشته‌ها، نمک حلال و حرام، حجاب و رنگ ناخن، قصه یوسف و زلیخا، یعقوب، ایوب، مرغ های بهشتی و صدها مزخرف دیگر صحبت می کنید خسته شده‌ایم. این ملت، این مردم آگاهانه می خواهند از اسلام، ازین دین بر حق و شریعت غرای محمدی راجع به حق زنده بودن، حق اجتماعی و سیاسی و سایر حقوق خود بدانند. ای آنکه سالها است نظر به فرمایشات اربابانت گفته و نوشته‌ای (اسلام دین برابری است) بیا بنویس و سالها بنویس و ما هم می نویسیم تا آنچه حق است روشن و مردم ما حقیقت اسلام را بدانند که اسلام چیست و به نفع کیست؟؟؟؟

قبل ازینکه بپردازیم به حقوق زن از دیدگاه محمد و قرآن لازم است به مرد هائی که فقط جنساً مرد هستند و خود را مالک و آقای زنها به حساب می آورند باید یاد دهانی کنم که بیائید آقایان: فقط برای یک روز خود را در موقف موجودی به نام زن در طول تاریخ بشریت قرار دهید ببینید آیا شما چقدر در مقابل این همه نا بکاری، ظلم و ستم جسمی و روحی و احساسات مقابله و مقاومت می توانید؟؟؟؟ مثلاً در خانه بنشینید، بیرون نروید و هر چه خانم شما گفت (البته از دید گاه شما خانم نی بلکه : عاجزه، تعلقداری، عیال، کوچ، مادر اولاد ها و امثالهم) عمل نمائید و شب هم که شد تعلقداری شما برود با شوهر دوم، سوم و چهارم خود در اتاق‌های جداگانه بخوابد فقط می خواهم احساس شما، وجدان شما و افکار شما را در آن لحظات بدانم. صد در صد میدانم که شما مقاومت ندارید و نمی توانید آنرا قبول نمائید اگر می توانید لطفاً انرا بنویسید؟؟؟؟ تا همه بدانند حقوق زن و مرد از دیدگاه اسلام مساوی است؟؟؟؟

لطفاً؟؟ پس ببینید این نسل متواضع و شجاع، این انسانهائی که هیچ چیزی از شما کم ندارند فقط فریب شما شیطانها در چهره آدم را خورده اند. چونکه شما اعمال خود را در چوکات هدایات الهی تعمیم می نمائید. در طول تاریخ موجودیت خویش چه زحمات و ناراحتی جسمی و روحی را متقبل شده‌اند. اکنون باز هم فکر می کنید شما آقا و مالک زن هستید؟؟ چیزی دارید بیائید مردانه بنویسید و مردانه از خود و حق خود دفاع کنید و بر تری خود را از هر نگاه که خود شما فکر می کنید ثابت کنید. اگر چنین نمی توانید و عاجز هستید و فقط به خاطر ارضای شهوت شخصیت زن را از بین می‌برید لعنت بر چنین افکار و باور مندی باد؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

خواننده عزیز، از شما معذرت می‌خواهم. من منظوری ندارم جز روشن شدن حقیقت‌های تلخ؟؟؟؟ می خواهم هر چه است بی پرده طرح و روی آن صحبت شود تا ببینیم بر ما و زندگی ما اعم از مرد و زن چه گذشته و ما چگونه چرا خرافاتی و بی فرهنگ بار آمده و برای رفع غرایض جنسی خود چه بی وجدانی های است که نمی کنیم و چه جنایاتی است که مرتکب نشده‌ایم.

حال می پردازم طور اجمالی به چند آیتی از قرآن در باره زن و هدایات اسلام عزیز و محمد پیامبر آخرالزمان :
سوره اعراف آیت ۱۸۹ : اوست خدائی که شما را از نفس واحده آفرید و جفت او را از او آفرید تا موجب آرامش او
شود.

سوره بقره (گاو) آیت ۲۲۰ : و نکاح نکنید زنان مشرکه را تا وقتی که ایمان آورند و هر آئینه کنیز مؤمنه بهتر
است

سوره بقره (گاو) آیت ۲۲۳ : زنان شما کشتزار شمایند برای کشت به آنها نزدیک شوید هر گاه مباشرت آنها
خواهید و برای ثواب ابدی چیزی پیش فرستید و از الله بترسید و بدانید که نزد او خواهید رفت. > این تفسیر مفسرین
است در حالیکه معنی اصلی و ترجمه این آیه چنین می باشد (زنان کشتزار شمایند و در هر جای کشت خود
میتوانید وارد شوید)

سوره المؤمنون آیات ۵ و ۶ : و آنانیکه فرج های خود را (از خوانندگان معذرت می خواهم) از > آلوده شدن و بی
عفتی < حفظ می کنند- تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزان شانرا دارند که در بهره گیری از آنان ملامت نمی
شوند

سوره نساء آیت ۲۴ : نکاح زنان محسنه (زنان شوهر دار) نیز بر شما حرام شد مگر آن زنان که متصرف و مالک
شده اید

سوره نساء آیت ۳۴ : مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است. به واسطه آن برتری که الله بعضی را بر
بعضی مقرر داشته و ... زنانیکه از مخالفت و نافرمانی آنها بیمناکید باید نخست پند دهید و از خوابگاه شان
دوری جوئید و در صورت نافرمانی آنها را بزیند.

و چندین آیت دیگر که با مطالعه آن میتوان به این نتیجه رسید که زن از نگاه قرآن و اسلام از نظر حقوق
اجتماعی، سیاسی و غیره هیچ گاه با مرد برابری ندارد و فقط از برابری و مساوات با مرد در قسمت عبادت و
بندگی و اجر و پاداش در آخرت است. اسلام نفقه زن را به دوش شوهر گذاشته. امامت، پیشوائی، زعامت،
رهنمائی، رهبری نیز از صلاحیت زن نیست. در اسلام زن از قضاوت و حکومت منع شده و یک آزادی دیگر هم
دارد که می تواند کنیز و غلام بخرد؟؟؟؟ در اسلام به انواع و اشکال گوناگون تأکید به عمل آمده که : برتری مرد
بر زن، زوجات زیاد به مرد ها، عقد صیغه و طلاق، ازدواج و نکاح کردن اطفال صغیر با مردان مسن و پیر جایز
است، شهادت زن ناقص و مستوجب قصاص ... سنگسار است و مرد می تواند زن خود را بزند..... و عجایی
زیادی در باره پامال شدن حق زن ... مرد - کنیز زن را می تواند بدون خرج و مهریه تصاحب کند ... حال که
صحبت از کنیز شد لازم به یاد آوری است مطابق آیات قرآن کنیز کسی است که از اعمال شهوت ابائی ندارد و کنیز
کسی است که خدای محمد به غنیمت نصیب جناب شان غرض رهائی از مقاربت جنسی اعطا فرموده است. حال
چون مسأله زن و علایق محمد و هدایات قرآن در ارتباط آمده است مجبوراً این هر سه مسأله را باهم به تحلیل می
گیرم.

به آیات ذیل توجه شود : سوره معارج آیات ۲۹ و ۳۰ : و آنانیکه اندام خود را از شهوترانی نگاه می دارند مگر بر
زنان حلال و کنیزان ملکی خویش که از اعمال شهوت هیچ ابائی ندارند(اینجا اشاره به کنیزان است یعنی
کنیز از اعمال شهوت هیچ ابائی ندارند و می شود = به هر جائی)

و یا سوره احزاب آیت ۵۰ : ای پیامبر زنانی را که مهر شان را ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی را که به
غنیمت خدا ترا نصیب کرد و نیز دختران کاکا، ماما، عمه و خاله آنها را که باتو هجرت نموده اند و نیز زن مؤمنه

ای که خود را به رسول بی شرط و مهر بیخشد و رسول هم به نکاحش مایل باشند که این حکم مخصوص تست و نه مؤمنان.. ما حکم زنان عقدی و کنیزان مؤمنان را به علم خود بیان کردیم به این سبب بود که بر وجود تو در امر نکاح هیچ حرج و زحمتی نباشد و خدا را بر بندگان مغفرت و رحمت بسیار است

بلی خداوند نمی خواهد پیامبرش برای نکاح کردن زحمت بکشد و وقت بگذارد و یا چیزی خرج کند زن و کنیز مال او است.... وقت تلف نشود. می بینیم آن خدای ابراهیمی که بزرگوار و خلق کننده کائنات است و خالق زلزله و کوهها، کشتیها، جنت و دوزخ، عرش و صد ها هزار کهکشان و ملیارد ها ستاره درخشانتر از آفتاب ... بلی اکنون بیکار مانده و در فکر پائین تنه پیغمبرش محمد افتاده تا بیچاره غمش خورده شود و صریحا در مورد او توجه خاص داشته نه تنها به امور دیگرش بلکه خاصتا برای رفع شهوت و ارضای غرایض شهوانی آن مبارک این خدا تا آنجا تنزل مقام داده که کار شهوت محمد را درست می کند.... اینجا می بینیم که خدا حلال می کند بر محمد تمام زنان و کنیزانی را که به غنیمت نصیبش شده و چون الله قبلاً غنیمت گرفتن هر زنی را برای مسلمانان حلال کرده پس این زنان می توانند زنان شوهر دار و یا بی شوهر باشند. همچنان در زمانیکه محمد از ترس مردم مکه به مدینه فرار نمود و در هنگام فرار یک تعداد مردم مکه هم که جان شان در خطر بود با محمد فرار نمودند و خداوند برای اینکه بر محمد سخت نگذرد و قسمت پائین بدن مبارک شان راحت باشد دختران عمه، دختران کاکا، دختران ماما و دختران خاله این گروه را بر محمد حلال می کند. شاید یکی از دلایلی که به محمد "حبیب الله" لقب داده اند، همین لطف خاص "الله" نسبت به وی باشد؟!!

پایان قسمت اول – بخش سوم